

استاد سید عبدالمجید کیانی

■ «استاد سید عبدالمجید کیانی هندی» امسال پنجاه و پنج ساله می‌شود. چهل سال تمام از آن زمان می‌گذرد که برای آموختن سنتور در هنرستان آزاد موسیقی ملی (به سرپرستی مرحوم امیر جاهد) نام نوشت و راه دراز و دشوارش را با اولین قدم آغاز کرد. استاد کیانی رهروی «آهسته و پیوسته» است. روش و منش او این چنین است و در تمام شئون زندگی‌اش این مرام را دارد. نوای متعادل و متین و سنجیده و روشن که از سازش - ساز دست استاد حبیب سمعی - بیرون می‌آورد، نیز آینه‌ای از شخصیت والای اوست. در این هجده سال (از ۱۳۵۶ تا به حال) که او کم‌همت به احیای اصیل‌ترین بخش موسیقی سنتی استوار کرده، کارنامه‌ی پربراری داشته و به نظر می‌رسد، هنوز هم موفقیت‌های درخشان‌تری در انتظار اوست.

کیانی، آموزش موسیقی را طبق رسم زمانه‌اش با روش‌های هنرستانی آغاز کرد، ولی در آن محدوده نماند و هرچه دارد از آن «فراروی» است که از سالهای میانه دهه ۱۳۴۰ به بعد انجام داد. استادان حقیقی او، نورعلی خان برومند و عبدالله خان دوامی هستند. به ویژه استاد اول که حقیقی عظیم به گردن هنرمندان امروز دارد. کیانی می‌توانست بهترین سنتورنواز مکتب هنرستانی باشد، ولی در آن محدوده نماند تا در سالهای بعد به همگان ثابت شود، برترین سنتورنواز زنده مکتب قدما (با گرایش تکنیک حبیب سمعی) است و شایسته‌ترین شاگرد نورعلی برومند در آموختن و آموزاندن و شناساندن ردیف. در واقع،



استاد مجید کیانی را می‌توان سومین حلقه از زنجیر میرزا عبدالله - برومند دانست که در زمان خود یک‌نظریه خطیر حفظ ارزش‌های ردیف‌نوازی و تکنیک‌های قدمایی را به عهده گرفته و دمی از تلاش خود بازنایستاده است. او برای این کار، رنج سالیان سال



هنر و اندیشه

● یادداشتی درباره تئاتر درمانی

تئاتر در خدمت انسان

بی شک رفتار آدمی بازتاب برداشت او از محیط است و هنر، سیال‌ترین و نافذترین ابزار در انتقال مفاهیم، دریافته‌ها و احساسها می‌باشد. با ابزار هنر می‌توان به دنیای درون آدمها وارد شد و از هنر مرهمی برای درمان بیماریها ساخت.

هنر پناهگاه روانی است و فارغ از هر دغدغه و کشمکش روحی به پردازش داده‌هایی می‌پردازد که یا از محیط اخذ شده، یا از آنچه می‌بیند و می‌شنود اقتباس می‌شود. هنرمندان و هنردوستان، افرادی هستند که می‌توانند تواناییها و استعدادهای خود را در خلق حماسه‌های انسانی هدایت کنند.

«تئاتر درمانی» شیوه‌ای است موفوق در بازپروری و بازآموزی افرادی که به موهوم پرستی یا با خود بیگانگی دچار شده‌اند. افرادی که از روابط فردی - اجتماعی گریزان شده و با خلق تصاویر ذهنی به تخیل پردازش و زندگی رویاگونه مشغولند. عده‌ای «تئاتر درمانی» را نوعی روانکاو در ارائه نمادین خصایل و ویژگیهای خیر و شر برای مخاطب می‌دانند و آن را هم‌تراز «بازیهای نمادین» قلمداد می‌کنند. در حالی که این نظریه با توجه به انگیزه اصلی این شیوه که انتقال راه حل‌های ممکن با آگاهیهای روان‌شناسی است، مغایرت دارد. تئاتر درمانی را می‌توان در ۳ مقطع مورد بحث و بررسی قرار داد:

«شناخت»، «درمان» و «تربیت». در مقطع اول

با توجه به روانشناسی، ویژگیهای شخصیتی مخاطبان به لحاظ رفتار، گفتار و پندار حائز اهمیت است. به موازات این شناخت، «راههای درمانی» و «چگونگی درمان» در ساختار نمایش ارائه می‌گردد؛ اما در مقطع تربیتی که بیشتر در محیطهای بازپروری و پرورشی به اجرا در می‌آید سعی می‌شود به طرق گوناگون به مفاهیم درست یا نادرست عملکردها به مخاطب عرضه شود تا او با مقایسه عملکرد خود و شخصیت مورد نظر به ضعفهای روانی - شخصیتی و یا روابط فردی - اجتماعی‌اش آگاه شود.

تئاتر درمانی شیوه‌ای مناسب و مهم در برنامه‌ریزیهای زیربنایی آموزش و پرورش کشورهای مترقی است. اگر مدیران نظام آموزشی - تربیتی کشور بتوانند جایگاه مناسبی برای ترویج این شیوه در برنامه ریزی‌های خود بیابند، به یقین در گشودن گره‌های روانی دانش‌آموزان گامی مهم برداشته‌اند، گامی که می‌شود ماهیت و اصالت را به دانش‌آموز داد و به زبان خودشان روابط انسانی، اجتماعی را آموزش داد.

بهترین قاضی و منتقد، مردم هستند

□ آبگینه. آواز صدیق تعریف با گروه هم‌نوازان. (تهران، نوروز ۱۳۷۶)

● نقد نوار موسیقی

■ در سالی که گذشت، موسیقی زیبای مجموعه تلویزیونی امام علی (علیه السلام) با صدای گرم و دلنشین «صدیق تعریف»، در دلها نشست و جایگاه خود را یافت. تعریف خواننده‌ای است که با وجود شهرت و محبوبیت، از جریانهای تجاری موسیقی روز، دوری می‌کند و نشان داده که واقعا به راه خود اعتقاد دارد.

چهارده سال است که به صورت رسمی در صحنه هنر حضور دارد و تنها پنج یا شش نوار منتشر کرده است و دو سه بار بیشتر کنسرت نداده و کنسرت آخر او در کشور فرانسه بود که استقبال عجیبی از آن شد تا حدی که بخش هنری رادیو پاریس یک فصل کامل را به مصاحبه با دست‌اندرکاران این کنسرت و به ویژه «تعریف» اختصاص داد. مسلم است که هرکس دیگری به جای «تعریف» باشد، این موقعیت‌ها را بدون سود نمی‌گذارد، ولی تعریف، سود حقیقی خود را در خوشنامی و گزیده‌کاری جستجو می‌کند.

■ «آبگینه» (که به معنی شیشه و آینه است و نام موزه‌ای در تهران) نخستین کار مستقل تعریف با مسوولیت کامل خود اوست. یعنی اگر بعدها کسی

بخواهد در باره تعریف و کار او مقاله‌ای بنویسد. این نوار مهمترین ماخذ او خواهد بود. زیرا سلیقه هیچ کس غیر از او در این کار مداخله نکرده و در جای جای نوار ردپای خلاقیت و سلیقه خوب و انتخاب سنجیده او پیداست. همه می‌دانند که کار او، حفظ اصالت است به معنای حفظ چهارچوب اصلی آن تا تقلید دقیق از قدما. تعریف به نوعی ادامه دهنده راهی است که «استاد محمدرضا لطفی» نمود و مظهر آن است. امیدواریم روزی روزگاری دیگر، چشمان به انتشار نوازی دیگر مثل نوار «به یاد استاد سید حسین طاهرزاده» روشن شود. زیرا تعریف حقیقی را باید در آن نوار جستجو کرد و در این نوار جدید که آبگینه وار، صفای دل هنرمند او را به ما نشان دهد.

البته معلوم است که نمی‌شود این دو را کاملاً با همدیگر مقایسه کرد. زیرا حضور لطفی و افراد او مساله‌ای نیست که به سادگی از آن گذشت. مهم این است که بدانیم تعریف در این نوار بدون آن توانمندان بوده و کار را به سرانجام رسانیده است.

■ تمام قطعات نوار در فضای دستگاه همایون و آواز شوشتری منصوری می‌گذرد. قطعات، بخشی

ممارست و تحقیق عملی و کار شبانه‌روزی را به خود هموار کرده، با وسواسی عجیب از تمام جریانهای روزپسند و تجاری دوری کرده و از بسیاری چیزها چشم پوشیده که بتواند به فرضیات خود جامه تحقق ببوشاند. باید در نظر بگیرید که در شرایط سالهای ۱۳۴۰-۱۳۵۰، اگرچه جنبش احیای اصالت‌های کهن توسط استادانی چون برومند و دوامی و شهنازی وجود داشت، ولی بسیاری از عوامل لازم برای انتقال میراث قدیم به ذهن هنرمندان جوان و مستعد، عملاً وجود نداشت و هرکس که در این عرصه به جای رسید، بخش اعظم آن را مدیون تلاش فردی خود بود، زیرا ذهنیت قدیمی آن اساتید (با حفظ روشهای آموزش سنتی) به این آسانی، برای جوانهای آن روز انتقال پذیر نبود. در زمینه سنتور، کار از همه زمینه‌ها مشکلتر بود، زیرا که تار و سهار و کمانچه، نوازندگان استاد و مبرزی داشت، ولی بعد از استاد حبیب سماعی، سنتورنوازی قدمایی، روشی نداشت و تنها استاد برومند و چند نفر دیگر از قبیل «قباد ظفر» و «مهدی ناظمی» (شاگردان محضر حبیب) مطالب پراکنده‌ای از آن فنون را به یاد داشتند و دست همه کس هم به آنها نمی‌رسید. مجید کیانی، سالهای سال نزد آن عزیزان که حالا همگی از میان ما رفته‌اند، شاگردی کرد و نکته به نکته و به موبه مو آموخت و با پشتکار عالی خود توانست جمع‌بندی دقیق و صحیحی از آموخته‌های علمی خود را فراهم کند و طی یک نظام منسجم آموزشی تحویل هنرجویان نسل بعد بدهد. او در این راه، نوازندگی و تحقیق، تدریس و کنسرت و سخنرانی در تهران و شهرستانها و خارج از ایران را همراه نگارش مقاله‌هایش دنبال کرد و

اکنون افراد بسیاری هستند که با استفاده از محضر پربار او، آن تکنیک‌های زیبا را به دیگران می‌آموزند و اگر امروزه مکتب حبیب و سنتورنوازی قدمایی باقی مانده، از کوشش اوست که استاد سپیدموی این سالیان است.

نوارهای «گذری در شیوه سنتورنوازی حبیب سماعی» (۱۳۶۴)، «ضربیه‌های حبیب سماعی» (۱۳۷۰)، «ترجیع‌بند» (همراه صدای استاد صدیف، ۱۳۶۸) و آلبوم پراهمیت «هفت دستگاه موسیقی ایران» (۱۳۶۶ و ۱۳۷۰) حاصل دوره اول کارهای او هستند. آلبوم اخیر، نخستین مجموعه جامع و کامل ردیف سنتور با شیوه قدما و با حفظ فواصل و تکنیک اجرایی آنهاست. مضافاً کتاب مهم «هفت دستگاه موسیقی ایران» (۱۳۶۸ و ۱۳۷۰) که نخستین کتاب جامع نظری موسیقی سنتی ایران در قرن اخیر و مهم‌ترین کتاب تنوریک فعلی در حکم مرجع و مأخذ است. او در این کتاب، مباحثی را مطرح کرد که سالهای سال در کلاسهای درس و کنسرت‌هایش بیان کرده بود و از آنجا که بسیاری مسائل طرح شده در آن از لحاظ بنیانی برخلاف جهان موسیقی سنتی فعلی بود، بحثها و مخالفان و مدافعان بسیاری را برانگیخت و این بحثها هنوز ادامه دارد. در دنباله آن، کتاب و نوارهای «آموزش سنتور: روش ردیف‌نوازی» (۱۳۷۲)، «بررسی سه شیوه تکنوازی در موسیقی سنتی ایران» (۱۳۷۰)، «نوا؛ نگرشی برغم در موسیقی ایرانی» (۱۳۷۴) و «سید حسین طاهرزاده» (۱۳۷۵) نشان‌دهنده ثبات نظر و عمل او در زندگی‌اش هستند. نام و آوازه استاد کیانی از سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۶۸ به بعد، کم‌کم اوج گرفت و به عنوان یکی از مهم‌ترین هنرمندان رسمی موسیقی کشور شناخته و تثبیت شد.

از آن زمان تا به حال، ایشان سمتهای مهمی را در ارگانه‌های هنری نظام مقدس جمهوری اسلامی عهده‌دار بوده است. از جمله عضویت در شورای صدور مجوز نوار در مرکز سرود و آهنگهای انقلابی و نیز ریاست بخش موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که هنوز هم ادامه دارد؛ اما خود او، مهم‌ترین کارش را تدریس می‌داند.

اخلاق و رفتار انسانی استاد کیانی بین هنرمندان امروز مثال‌زدنی و کم‌نظیر است و این قولی است که جملگی از دوست و دشمن بر آن اتفاق نظر دارند. شاگردان مخلص او رضا مهدوی و سیدعلیرضا میرعلی‌نقی، به لحاظ قلمی و عملی از صمیم قلب استاد را در راهش یاری کرده‌اند با این عقیده که فقط شخص مطرح نیست، بلکه موسیقی سنتی با شاخصهای قدیم مطرح است و فعلاً استاد کیانی تنها مرجع زنده در این زمینه است.

نمی‌توان از حق گذشت که اگر کوششهای فداکارانه این دو جوان عاشق و صادق بی‌ریا نبود، مشکل می‌شد، تصور کرد که در حال حاضر اندیشه‌های استاد کیانی تا چه حد و اندازه رواج می‌داشت. اواخر سال گذشته، استاد کیانی مدتی را در کانادا برای تدریس دانشگاه گذراند. او چهره شاخصی است که در دانشگاههای خارج از کشور به ویژه سوربون فرانسه ارج و اهمیت بسیاری دارد و برای

حرفش احترام قائلند. مسلم است که حاصل کار هرکس را باید بعد از پایان حیات او به درستی ارزیابی کرده ولی بدون تردید، کارها و تالیفات و نوارها و شاگردان واقعی استاد مجید کیانی گواه روشنی بر صحت و اصالت راه او هستند و آینده نیز در این مورد گواهی خواهد داد. ■

متخصص، تصنیفی کامل می‌آید که جز شخص سازنده، کس دیگری نمی‌تواند از عهده بیان واقعی آن بر بیاید.

■ توانایی سازنده و خواننده، تنها در انتخاب و قطعات و تصرف در آنها نیست. بلکه توان اصلی او در بیان آنهاست. فراموش نکنیم که تعریف، خواننده است و خواننده آگاه و مطلع هم هست. اگر او چنین توانایی احساس برانگیز را نداشت نمی‌توانست از عهده اجرای قطعه مشکل استاد فخرالدینی در سریال امام علی (علیه السلام) بر بیاید و به حق باید اعتراض کرد که این موسیقی جز با صدای تعریف به این استقبال نمی‌رسید. تعریف در «آبگینه» نشان داده که حد و حدود صدایش را می‌داند، تحریرهایش را به موقع و به اندازه به کار می‌گیرد، حق کلام را ادا می‌کند و در ارائه شعر و موسیقی دارای توازن و تعادل است. متأسفانه، نقد دقیق محتویات این نوار، محتاج به کار بردن اصطلاحات فنی و تخصصی است که به هر حال ویژه یک مجله تخصصی موسیقی است و به زبان دیگری نمی‌توان توضیح داد. بهترین نقد و بررسی، استقبال روزافزون مردمی است که نه نت می‌دانند و نه ارکستراسیون می‌شناسند و نه حرفه‌ای موسیقی هستند، ولی دلشان که آبگینه احساس است، اشتباه نمی‌کنند و همانها هستند که نوار موسیقی متن سریال امام علی (ع) را هزاران هزار به خانه برده‌اند و با «آبگینه» نیز چنین کرده‌اند. بخت بر تعریف خوش باد! هادی ابراهیمی صیقلان

قدیمی هستند و برخی به تازگی ساخته شده‌اند و اثر ذوق خواننده آن هستند. تعریف، مدتی است که با رعایت خیلی از مسائل و احترام به بزرگان آهنگسازی موسیقی کشور، نواهایی را می‌سازد و به اجرا می‌رساند. البته در همان قطعات قدیمی هم اثر ذوق و تصرف زیبای او هست. مثلاً در اجرای اصل تصنیف «جلوه گل»، اثری از دف نیست، ولی این اجرا حاوی دف است که حالتی حماسی به قطعه می‌دهد. از قضا این اجرا خیلی زیباتر از اجرای اصلی است. بدون این که بخواهیم منکر استادی و مهارت مرحوم عبدالحسین خان شهنازی باشیم.

بنا به همین روش، در تصنیف «نیاز» هم گوشه چشمی به گوشه عشاق زده شده تا از لحاظ فرم کلاسیک (یعنی ملاک قرار دادن ردیف) تکمیل شود و در آهنگ کردی قدیمی «کتانه»، چند نغمه و چند شعر جدید بنا به تناسب و ضرورت و زمانه افزوده شده است. تعریف، فروتنانه توضیح می‌دهد که «این کار نه آهنگسازی است و نه نوپردازی به مفهوم قدیم یا جدید. بلکه نوعی تالیف جدید است در چهارچوب اثر اصلی با حفظ مراتب حرمت و ادب به حضور تمامی هنرمندان ارزنده قدیم و امروز و با توجه به بضاعت و توان اینجانب به دوستداران تقدیم می‌شود.»

توان و بضاعت تعریف را در تصنیف «افسانه» باید دید که نغمه‌اش را ساخته و شعر زیبای بهیانی را به آن افزوده و چنان خوب خوانده که به نظر شنونده

